

«ریکاوری» می‌توانست کار بسیار موفق‌تری باشد

اما نشد!

است که برخی از بازیگران «ریکاوری» حتی نگفتند که این کار متعلق به من است؛ اگر به صفحات بسیاری از بازیگران اصلی این کار سر زدید انگار نه انگار که در این کار بازی کرده‌اند؛ اما من با تمام قوا نسبت به کار و انتشار آن تلاش کردم؛ مریم معصومی و چند باری هم یوریا پورسرخ این کار را کردند؛ شما می‌بینید که بازیگر اصلی این کار که دل اصلی بازی کرده است نسبت به «ریکاوری» هیچ واکنشی ندارد در حالی که در سریالی دیگر یک پلان بازی کرده و آن قدر از آن پست می‌گذارد که فکر می‌کنید نقش اصلی آن کار است؛ این نشان می‌دهد که یکسری انتخاب‌ها اشتباه بوده است؛ یعنی موضوعی که مربوط به ابتدای کار بوده است.

اگر سایر بازیگران از کار و حضورشان در آن حمایت می‌کردند چقدر به میزان موفقیت و دیده شدن «ریکاوری» کمک می‌شد؟

صدر درصد مؤثر بود؛ بازیگر ویت‌ترین قضیه است و باید این اتفاق می‌افتاد؛ فیلمنامه ما خوب بود و خط داستانی جذابی داشت و بازیگرانی که آن را خوانده بودند هیچ یک به زور سر کار حاضر نشده بودند؛ به لحاظ عدد و رقم هم کسی کم نگرفته بود و البته زیاد هم نگرفت؛ هر کس حق خود را گرفت؛ در میانه کار مشکل مالی به وجود آمد که در بسیاری از کارها این اتفاق رخ می‌دهد؛ من به عنوان بازیگر دوم مسئولیت دارم، یک کاری که به عنوان بازی به من سپرده شده است را درست انجام دهم و دو این که وقتی کار به اکران و پخش رسید نسبت به کارم با وجدان عمل کنم و همان قدر حرف‌های باشم. چند نفر از بازیگران تأثیرگذار ما این گونه رفتار نکردند؛ طوری برخورد کردند که گویی به زور سر این کار آمده‌اند و انگار برای رفع تکلیف جلوی دوربین رفت‌اند و با خود گفتند آن قدر کار، کار بدی است که صداپیش را در نیابوریم؛ در صورتی که من به ضرس قاطع می‌گویم هر بازیگری که در «ریکاوری» بازی کرده است تا روز آخر با علاقه‌مندی آمده و حق و حقوق خود را نیز دریافت کرده است اما برخی از بازیگران این کار، اولین وظیفه‌شان که درست بازی کردن بوده را غلط انجام دادند چه برسد به مراحل بعدی؛ اگر پیام‌های مردم را زیر پست‌های ما بخوانید متوجه می‌شوید که دوسه بازیگر مانع راه‌یاب کل اشتباه بازی کرده‌اند؛ تا جایی که بعد از انتشار سریال با عدم حمایت‌شان از کار، من خوشحال شدم؛ چرا که وقتی ۹۹ درصد مردم، کارشناسان و... می‌گویند فلان بازیگر این شخصیت را اشتباه بازی کرده‌ای یا به کل برخی بازیگران شما بد هستند، پس درست می‌گویند.

در این بخش از کارگردان هم باید سوالاتی پرسید؛ اگر یک بازیگر تا این اندازه بد بوده است چرا کارگردان بازی او را تایید کرده است؟

در این موضوع کارگردان را هم مسئول می‌دانم؛ من با بهادر اسدی صحبت کردم که این سکانس‌ها اشتباه هستند و او در جواب گفت: این بازیگر توانایی بیشتری از این را نداشته؛ بازیگری که از برداشتن یک تاده، هیچ تغییری در بازی نداشتند است راجه کنیم؟ و حالا من به شما می‌گویم بازیگری که سر دستمزدش دعوا می‌کند و می‌گوید من در صفحه‌ام اعلام نمی‌کنم در این سریال بازی کرده‌ام از ابتدا انتخاب اشتباه بوده است. این بازیگر قدرت تحلیل نقش را ندارد. البته این موضوع را درباره خودم بگویم که کارشناس بازیگری نیستم اما بازیگر خوبی هستم و در این مورد مدعی‌ام. آن باری که در «ریکاوری» روی دوش من بود را سالم به مقصد رساندم تا توجه به مواردی که به آن‌ها اشاره کردم همه ماضیه خوردیم اما کار را رها نکردم. همین الان هم می‌گویم که کار کار خوبی بود اما توسط یکسری بازیگر و عوامل پشت‌صحنه و در راس خراب شد. اگر نظری راجع به کار می‌دهم چون خودم را برای آن پیر کرده‌ام؛ نه این سریال بلکه هر کاری که می‌کنم.

«سهیل» نام کاراکتری بود که در «ریکاوری» ایفا کردید؛ از همان ابتدا و زمان خواندن فیلمنامه چقدر شخصیت او را در کار مؤثر و متفاوت دیدید؟

با توجه به این که نقش اصلی ما «بلیک» بود اما موتور پیش برنده کار «سهیل» تلقی می‌شد؛ با قرار گرفتن در کنار یوریا پورسرخ و هومن برق‌نورد که از دوست‌م هستند و بازیگران خوبی هم محسوب می‌شوند، می‌دانستم که مثلث خوبی تشکیل می‌شود و به درستی پیش می‌رود اما در ادامه این مثلث حلقه‌هایی با بازیگران دیگر داشت که صدمه دید. هنوز هم شخصیتی که بازی کردم را دوست دارم با این که از یک جایی مجبور به تغییر لحن از کمدی به درام شدیم، با تمام چالشی که این اتفاق داشت سعی کردم هر دو وجه این شخصیت دیده شود؛ اما در برخی صحنه‌ها به علت این که حس صحنه در نیامده بود، شاید من هم اشتباه کرده باشم؛ نقش بسیار جای کار داشت. نمی‌گویم بازی درخشان، بلکه در کار سکانس درخشان هم وجود دارد. من تمام تلاشم را کردم تا بازیگر بدی جلوه نکنم. در همه کارهایی می‌کنم بازی درستی داشته باشم حتی اگر نتیجه مطلوب نباشد.



مجید و اشقانی از دلایل عدم موفقیت «ریکاوری» به «صبا» می‌گویند

همه شانه خالی کردند!

گروه تلویزیون

گفت و گو

سریال «ریکاوری» به کارگردانی بهادر اسدی و تهیه‌کنندگی جمال گلی با بازی هومن برق‌نورد، یوریا پورسرخ، مجید و اشقانی، شبنم قلی‌خانی و... بود. این سریال برخلاف بسیاری از سریال‌های نمایش خانگی نتوانست به موفقیت چندانی دست پیدا کند. و اشقانی که در این کار، نقش «سهیل» را ایفا می‌کرد، در گفت‌وگو با ما از برخی دلایل ناموفق بودن این سریال پرده برداشت؛ صحبت‌های صریح مجید و اشقانی را در مورد «ریکاوری» مشاهده می‌کنید.

«ریکاوری» اولین حضور شما در یک سریال نمایش خانگی محسوب می‌شود؛ در شرایطی که این روزها بازار تولید و ساخت این دست سریال‌ها پر رونق است، فکر می‌کنید «ریکاوری» در مقایسه با سایر کارهایی که هم‌زمان منتشر شدند تفاوتی به موفقیت دست پیدا کند و اساساً حضورتان در این کار رضای‌بخش است؟

این که بازی به نام نمایش خانگی آن هم در قالب سریال تا این اندازه قوت گرفته باعث خوشحالی است؛ ما بازاری به نام سینما، تئاتر و تلویزیون داریم، حال این که نمایش خانگی و در قالب سریال به این بازار اضافه شده به هیچ وجه اتفاق بدی نیست؛ اما به این شرط که با کیفیت باشد؛ در واقع در هر مدیومی که کار ساخته می‌شود کیفیت رعایت شود. در چند وقت اخیر هم سریال موفق و هم سریال ناموفق داشته‌ایم؛ مانند «شهرزاد» که نمونه یک سریال موفق است؛ اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که هر چیزی را باید با اندازه خودش مقایسه کرد؛ هزینه ساخت «ریکاوری» از ابتدا تا انتها با احتساب تمام مخارج در همه زمینه‌ها به دو میلیارد تومان نرسید؛ در صورتی که سریال‌هایی داریم که دو میلیارد فقط هزینه تبلیغات آن‌هاست؛ به نظر من «ریکاوری» می‌توانست کار بسیار موفق‌تری باشد اما نشد!

یکی از موارد مهم در انتشار و حمایت از آثار تولید شده مقوله تبلیغات است که اتفاقاً بسیار هم مورد توجه قرار می‌گیرد اما در «ریکاوری» ما شاهد هیچ‌گونه تبلیغاتی نیستیم؛ به عنوان بازیگر کار فکر نمی‌کنید این روند به بازی شما و کلیت کار لطمه زد؟

اولین مسئله این بود که پولی برای تبلیغات وجود نداشت؛ چه تبلیغات محیطی و چه تبلیغات فضای مجازی؛ «ریکاوری» حتی یک تبلیغ در شهری را نیز نتوانست به خود اختصاص دهد؛ به این دلیل که پول آن را نداشت؛ مسئله بعدی این بود که می‌توانست در فضای مجازی تبلیغات کند که دیگر خیلی دیر شده بود؛ می‌بینید که زمان انتشار هر قسمت از سریال، بازیگران سبک‌سازهای مختلف را در صفحات خود منتشر می‌کنند و از این طریق در فضای مجازی دیده می‌شود؛ ما در بحث تبلیغات نه آدم مورد نظر را داشتیم و نه پولش را؛ من بارها بلیت این قضیه صحبت کردم که در دو، سه هفته ابتدایی سریال بایستی تبلیغات را شروع کنیم اما یک تهیه‌کننده تنهای تنهای باقی‌مانده بود که قرار بود کارش را پخش کند، به وی اودی بفروشد، تدوین و صداگذاری کند و... که دیگر فرصتی برای فکر کردن به تبلیغات باقی نماند؛ حتی کارگردان کار هم حضور نداشت؛ کارگردان در سه قسمت اول کار که تدوین شد به مشهد رفت و تمام این کارها را باید تهیه‌کننده انجام می‌داد که نه پول و نه وقت آن را داشت.

طبیعتاً بحث مالی از مهم‌ترین مواردی است که در تولید و ساخت یک کار نمایشی وجود دارد؛ شما در مقام یک بازیگر در ابتدای کار چطور به یک گروه برای همکاری اعتماد می‌کنید؟ کاری که در میانه راه با یک تهیه‌کننده به قول خودتان تنهای تنهای ادامه راه را طی می‌کند؟

تا به امروز در هیچ کاری حضور نداشته‌ام که از روز اول همه چیز بعه و چه‌چیز نباشد؛ به روزهای آخر که می‌رسیم یکسری از افراد دچار روزمرگی می‌شوند و انگیزه خود را نسبت به کار از دست می‌دهند؛ یعنی کار را رها می‌کنند؛ وقتی کار رها شد توسط آقابنوسی هستی که این کشتی در آن حرکت می‌کند؛ نمی‌دانم روز اول همه مشتاق بودند که سر این کار باشند، بعد از مدتی دچار حلیه شدیدیم، حضور آدم‌هایی غیر کارشناس در کار باعث شد کم‌کم به سمت سانسور برویم و حالا که کار سانسور شد دیگر به درد نمی‌خورد، پس کاری که به درد نمی‌خورد نباید در آن سرمایه‌گذاری کرد و پای آن ایستاد. روز اول قرار بود همه چیز گل و بلبل باشد اما به آنها که رسید همه شله خالی کردند.

به قضیه سانسور اشاره کردید؛ کمی این موضوع را باز کنید؛ سانسور در چه بخش‌هایی؟

در زمان فیلمبرداری که بازار نمایش خانگی بسیار داغ بود با آدم‌هایی مواجه بودیم که دوست داشتند با تمام قوا سر این کار حضور داشته باشند؛ اما هر چه پیش رفتیم مثل این که سر کار دیگری بروند، اواسط کار هم به یکسری مشکلات مالی برخوردیم که آن هم مزید بر علت شد و خاله زکی در کار به وجود آمد که باعث صدمه زدن به کار و چند دستگی شد. این مسائل باعث شد تا عنان از دست مدیریت کار خارج شود؛ بعد از اتمام کار و رفتن برای اخذ پروانه نمایش در بخش اعظمی از سریال دچار سانسور شدیدیم؛ اما بحث سر این است که اگر شما صاحب کالایی باشید که به هزار و یک دلیل به آن آسیب وارد آمده باشد، در هر عنوان و سمتی که در کار دارید باید نسبت به کار غیرت داشته باشید و کالای خود را تبلیغ کنید و منافع آن بلنیدنه این که کل راه‌ها کنید؛ این کار از جایی که اتفاقی نتوانست بگیرد ول شد؛ این موضوع خیلی جالب